



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۱، صص ۳۷۶-۳۶۳

سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه رهیافتی راهبردی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری و عرصه‌های روستایی محروم: واکاوی مفهومی با تأکید بر مکانیزم‌های عمل در بافت‌های جغرافیایی کلان‌شهری و منطقه سیستان

مطهره صالحی^۱، محمد قاسمی*^۲، حبیب‌الله سالارزهی^۳، زهرا وظیفه^۴

^۱ دانشجوی دکترا مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده

اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

^۲ دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir

^۳ استاد گروه مدیریت دولتی دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران.

^۴ دانشیار گروه مدیریت مالی دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

چکیده:

گسترش پرشتاب حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها و تداوم چرخه محرومیت در روستاهای کمتربرخوردار (با تأکید بر منطقه سیستان)، بازتابی از ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی فضایی در ایران است. این پژوهش با هدف ارائه یک الگوی تحلیلی از نقش سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان کنشگران میانی در توانمندسازی این دو عرصه جغرافیایی، با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای عمیق، به واکاوی پیشینه، مکانیزم‌های عمل و چارچوب نظری این نهادها می‌پردازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد با وجود تفاوت در بافت‌های شهری و روستایی، عمدتاً از طریق سه مکانیزم کلیدی ظرفیت‌سازی اجتماعی، تسهیل‌گری نهادی و تولید و بازتوزیع سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند. در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، تمرکز بر بازپیوند اجتماعی و ایجاد عاملیت جمعی برای تأثیرگذاری بر حکمروایی شهری است؛ حال آنکه در روستاهای محروم سیستان، نقش این نهادها معطوف به مدیریت یکپارچه منابع طبیعی در شرایط خشکسالی، تنوع‌بخشی به معیشت و افزایش تاب‌آوری اکولوژیک-اجتماعی است.

مقاله با ترسیم یک مدل مفهومی یکپارچه با استفاده از نرم‌افزار (NET DRAW)، تعامل پویا بین «ساختارهای کلان حمایت‌گر»، «سازمان مردم‌نهاد به عنوان هسته مرکزی»، «سرمایه‌های چهارگانه محلی» و «برون‌دادهای توسعه‌ای» را در قالب یک سیستم بازخوردی مثبت تبیین می‌کند. در نتیجه‌گیری تأکید می‌شود که گذار از رویکردهای بخشی و مقطعی به سمت «مدل توسعه یکپارچه محله‌محور» با تکیه بر پتانسیل سازمان‌های مردم‌نهاد، نه تنها امکان‌پذیر، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق عدالت فضایی و پایداری سرزمینی است.

واژگان کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، توسعه روستایی، سیستان، سرمایه اجتماعی، حکمروایی محله‌محور، عدالت فضایی.

در دهه های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی، معضلات و پیچیدگی هایی را به همراه آورده است که از پیامدهای این پدیده، شدت یافتن ضریب آهنگ تغییرات فضایی-کالبدی شهرها و ناکارآمدی بافتهای شهری میباشد. (Izadfar, 2021: 30). روند شهرنشینی در ایران رو به افزایش است؛ به گونه ای که از سال ۱۳۹۵ - ۱۳۶۵، جمعیت شهرنشین از ۵۴/۳ درصد به ۷۴ درصد رسیده است. تعداد شهرهای کشور هم در همین بازه زمانی از ۴۹/۶ شهر در سال ۱۳۶۵ به ۱۲۴۲ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیده بود (معاونت اقتصادی اتاق ایران، ۱۳۹۶) طرح مسئله نابرابری های فضایی و تمرکز فقر در پهنه های خاص جغرافیایی، از دیرباز در کانون توجه جغرافیدانان، برنامه ریزان و اقتصاددانان توسعه قرار داشته است. در کشور ایران، این نابرابری در دو الگوی فضایی بارز متجلی شده است: نخست، شکل گیری و گسترش خوشه های حاشیه نشینی در حومه کلان شهرها و درون بافتهای ناکارآمد شهری که نمودی از «شهرنشینی شتابزده و فقرایانه»^۱ است (صرافی، ۱۳۸۲). دوم، تداوم و تعمیق محرومیت در عرصه های روستایی به ویژه در مناطق پیرامونی و مرزی، از جمله استان سیستان و بلوچستان و منطقه سیستان که مصداق «توسعه نیافتگی قلمرویی»^۲ است (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۸). هر دو پدیده، حاصل شکست سه گانه «نظام برنامه ریزی متمرکز»، «تخصیص ناعادلانه منابع ملی» و «ضعف نهادهای محلی پاسخگو» هستند.

رضایتمندی سکونتی از آنجا که بخشی از حوزه رضایتمندی از زندگی در معنای عام میباشد؛ یکی از مطالعه شده ترین موضوعات در حوزه مطالعات محیط مسکونی محسوب میشود بعد ذهنی کیفیت زندگی، احساس رضایتمندی و نگرانی ساکنان از محیط سکونتشان میباشد و این مفهوم، نشانه ای مهم مبنی بر وجود ادراکات مثبت (Motahari Tabar, Hosseini nia, 2022:76). ساکنان نسبت به کیفیات زندگی خویش تلقی میشود

اگرچه ماهیت کالبدی، اقتصادی و اجتماعی این دو عرصه متفاوت است، اما در یک ویژگی اشتراک بنیادین دارند: فقدان عاملیت جمعی و ناتوانی در تاثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم گیری که بر زندگی ساکنان اثر می گذارد. در این میان، سازمان های مردم نهاد (NGOs) به عنوان نهادهای برآمده از جامعه مدنی، با دارا بودن مزیت نسبی در «انعطاف پذیری»، «عدم وابستگی بوروکراتیک» و «ارتباط بی واسطه با جامعه هدف»، می توانند به مثابه «سازه های میانجی»^۳ عمل کرده و این شکاف عاملیتی را پر نمایند. (Lewis, 2010) سؤال محوری این پژوهش آن است که سازمان های مردم نهاد با چه مکانیسم ها و در چارچوب چه الگوی مفهومی می توانند به توانمندسازی ساکنان در دو بافت به ظاهر متفاوت حاشیه نشینی شهری و روستاهای محروم منطقه سیستان کمک کنند؟. این مقاله در پی ارائه پاسخی ساختاریافته به این پرسش، با تکیه بر تحلیل متون و سنتز چارچوب های نظری است.

¹ Impoverished Urbanization

² Territorial Underdevelopment

³ Intermediary Structures

مبانی نظری: از توانمندسازی تا حکمروایی محله محور

با رشد سریع جمعیت جهان و تمرکز آن در شهرها و به دنبال آن انبوهسازیهایی متعدد در نقاط مختلف بافت شهری، بدون توجه به نیازهای عملکردی، روحی و روانی ساکنین آینده آن، با هدف فایق آمدن بر مشکل کمبود مسکن، مشکلات جدیدی تبلور م ییابد که از مهمترین آنها صدمه بر فرد، خانواده و جامعه را میتوان نام برد. بر این اساس ایجاد مفهوم توسعه پایدار شهری و مؤلفه‌های تأثیرگزار بر آن به عنوان مؤلفه‌ی اساسی تأثیرگذار بر چشم انداز بلندمدت جوامع انسانی مطرح گردید (Tayefi, Hatamei, 2018: 307).

زندگی انسان امروزی با وضعیت شهر گره خورده است و بسیاری از شئون زندگی آدمی آگاهانه یا ناآگاهانه از وضعیت این سکونتگاه تأثیر میگیرد. روند افزایش جمعیت شهرنشینی، توجه به مسئله حکمرانی شهری به منزله زیرسای سیاست گذاری شهری و برنامه ریزی شهری را مضاعف کرده است؛ چنانکه گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۰ در پیام به مناسبت روز جهانی جمعیت، ما بیان اینکه تا سال ۲۰۵۰ حدود ۶۸ درصد جمعیت جهان در مناطق به شهری زندگی کنند، یعنی جمعیتی حدود ۶٫۳ میلیارد نفر به اهمیت مسئله شهرنشینی توجه کرده است (دفتر سازمان ملل در جمهوری اسلامی ایران)^۱ بدین ترتیب، نیاز است درک واقعیت اطراف و به سامان کردن امور سیاستی بر واقعیت و به دانش متنی باشد. در این زمینه سیاست گذاری قالبی را مشخص می کنند که در آن از اقدامات دولت برای دستیابی و رخ رسیدن به اهداف عمومی استفاده و از شهر به منزله عرصه ای برای سیاست گذاری یاد میشود. پژوهشگران و تحلیلگران سیاست گذاری شهری از دو منظر مدیریت شهری را بررسی کرده اند. در یک سود کسانی قرار دارند که مدیریت شهری را تنها نماد و مسئول رسیدگی به همه امور این حوزه می دانند. از نگاه این گروه که قائل به الگوی حکومت اند، مدیریت شهری امری صرفاً سیاسی و زیر مجموعه دولت و حکومت است. در مقابل طرفداران حکمرانی قرار دارند که اداره امور شهر را بین سه حوزه شهرداری جامعه علمی و بخش خصوصی تقسیم میکنند. باور این گروه این است که هر یک از نهادهای یادشده بخشی از منابع مورد نیاز برای ارتقای سیاست گذاریهای شهری را فراهم می کنند (طیبه ۱۳۹۶: ۱۲۵). با ناتوانی دولت ها در پاسخگویی به نیازهای گوناگون شهری و ناهماهنگی نیازها و خواسته های شهروندان با طرح ها و برنامه های ارائه شده و ضرورت مسئولیت پذیری بیشتر در اداره امور شهری امروزه نگرایی از اداره شهرها بر پایه نگرش دولت جامعه مدنی و بخش خصوصی به مشارکت جدی در (اداره امور شهرها فراخوانده می شوند (Brunetta et al., 2019)

مفهوم توانمندسازی از مفاهیم کلیدی در ادبیات توسعه انتقادی است. سن (۱۹۹۹) آن را گسترش قابلیت ها افراد برای دنبال کردن اهدافی که برایشان ارزش قائلند، می داند. در سطح کلان تر، توانمندسازی فرآیندی است که از

¹ iran.un.org/fa/9820

طریق آن گروه‌های محروم، بر منابع مادی و غیرمادی (دانش، شبکه‌ها، نفوذ) کنترل بیشتری یافته و قادر به چانه‌زنی و تأثیرگذاری بر نهادهای حکمرانی می‌شوند. (Narayan, 2002) این فرآیند سه بعد دارد:

۱. توانمندسازی روان‌شناختی: احساس شایستگی، کنترل و تأثیرگذاری فرد.
۲. توانمندسازی سازمانی: دسترسی به شبکه‌ها، منابع و نهادهای حمایت‌گر.
۳. توانمندسازی سیاسی: امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در این فرآیند، از منظر نظریه سرمایه اجتماعی قابل تفسیر است. بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع مبتنی بر تعلقات شبکه‌ای پایدار می‌داند. پاتنام (۱۹۹۳) آن را به دو نوع «متصل‌کننده»^۲ و «محدود»^۳ تقسیم می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ایجاد شبکه‌های اعتماد («سرمایه محدود») درون جامعه محلی) و نیز اتصال این جامعه به منابع بیرونی مانند دولت، دانشگاه و بخش خصوصی («سرمایه متصل‌کننده»)، بستر اجتماعی لازم برای اقدام جمعی را فراهم کنند. (Woolcock, 2001) از اهداف توسعه می‌باشد. (امیرانی مه ه؛ ظرفیان ش، ۱۳۸۲)

در حوزه شهری، نظریه حکمروایی شهری خوب^۱ بر مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت و پاسخگویی تأکید دارد. سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نمایندگان جامعه محلی، می‌توانند کیفیت حکمروایی را از طریق نظارت اجتماعی، ارائه خدمات جایگزین و لابی کردن برای خط‌مشی‌های عادلانه‌تر ارتقا دهند. (UN-HABITAT, 2009)

در حوزه روستایی، رویکرد توسعه محله‌محور یکپارچه^۲ بر این پایه استوار است که توسعه باید از درون جامعه و با مشارکت فعال آن، با در نظرگیری تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی صورت پذیرد. (Mansuri & Rao, 2004) در شرایط «آسیب‌پذیری چندلایه»^۳ (مانند روستاهای سیستان که تحت تأثیر خشکسالی، فقر و حاشیه‌نگشی جغرافیایی قرار دارند، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با تقویت «تاب‌آوری اجتماعی - اکولوژیک»^۴، به جوامع در تطبیق با شوک‌ها و فشارها کمک کنند. (Berkes & Folke, 1998)

پیشینه تحقیق: گفت‌گویی بین حوزه‌های شهری و روستایی

مطالعات داخلی در حوزه شهری عمدتاً بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در جلب مشارکت و ارائه خدمات اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین تمرکز داشته‌اند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۱؛ رضائی‌تبار، ۱۳۸۸). پژوهش الوانی (۱۳۸۷) بر

^۲ Bridging

^۳ Bonding

^۱ Good Urban Governance

^۲ Integrated Community-Based Development

^۳ Multilayered Vulnerability

^۴ Social-Ecological Resilience

نقش این سازمان‌ها در «توسعه اجتماعی» تأکید کرده و شهاب و همکاران (۱۳۹۳) بر پتانسیل آنان در «توسعه پایدار روستایی» اشاره نموده‌اند. پژوهش جوانی و همکاران (۱۳۹۵) به موانع پیش روی سمن‌ها در روستاها، از جمله «فقر فرهنگی» و «کمبود بودجه» پرداخته‌اند.

در حوزه بین‌المللی، مطالعاتی مانند تحقیق «بودیناتینی» (۲۰۱۷) بر «توانمندسازی جامعه در اسکان خودسرانه» و مطالعه «نیکخواه و رضوان» (۲۰۱۰) بر نقش سمن‌ها در «توسعه پایدار جامعه» تأکید دارند. مطالعه «آکایره» (۲۰۱۰) در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد برنامه‌ریزی اجتماع‌محور می‌تواند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های محلات فقیرنشین را جلب کند.

با این حال، خلأ پژوهشی آشکاری در مقایسه نظام‌مند نقش و مکانیزم‌های عمل سازمان‌های مردم‌نهاد در دو بافت شهری و روستایی ایران، به‌ویژه با تأکید بر یک منطقه خاص محروم (مانند سیستان) وجود دارد. این مقاله در پی پر کردن بخشی از این خلأ است.

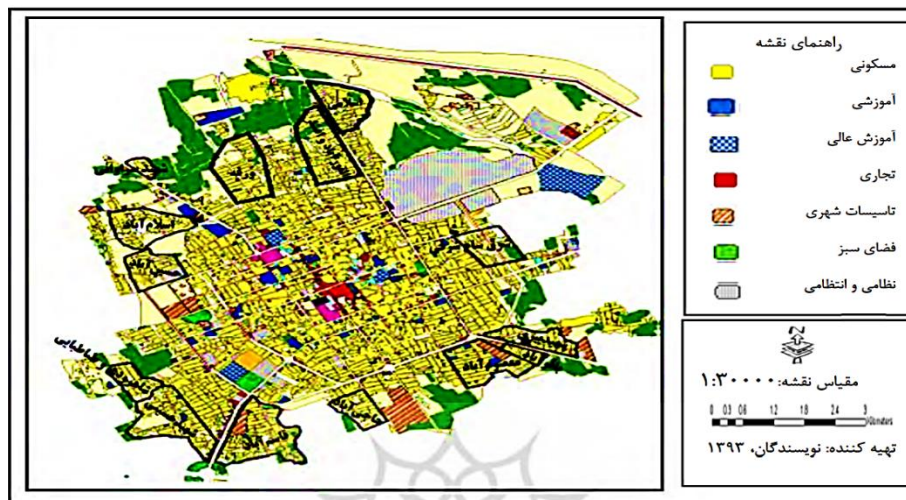
بررسی منطقه مورد مطالعه :

محدوده مورد مطالعه و میدانی در این پژوهش مناطق حاشیه نشین شهر زابل می‌باشد که شامل محله قاسم‌آباد، معصوم‌آباد، ورقه، القورآباد، باقرآباد، شهید پیری، حاجی‌آباد، محله اسلامی، شهید حسینی، شهید سراوانی، علی‌افشار، حسین‌آباد، شاهرودی، طباطبایی و شرق سام شرقی می‌باشند. در زیر به تشریح نحوه‌ی شکل‌گیری‌شان می‌پردازیم :

- محله‌های ناشی از رشد شهرستان زابل مانند قاسم‌آباد، معصوم‌آباد، ورقه، القورآباد، باقرآباد شهید پیری و حاجی‌آباد
- محله‌های ناشی از اثرات مرزی و قاچاق سوخت مانند اسلامی، قسمتی از محله قاسم‌آباد در اطراف فلکه رستم، انتهای محله القورآباد رو به روی محله اسلامی و شهید حسینی در اطراف گاراژها.
- محله‌های ناشی از اتصال روستاها به شهر مانند شهید سراوانی و علی‌افشار.
- محله‌های ناشی از خشکسالی‌ها و مهاجرت روستاییان و عشایر منطقه سیستان به شهر زابل مانند اسلام‌آباد، حسین‌آباد، شاهرودی و طباطبایی شهید حسینی.
- محله‌های ناشی از کارهای عمرانی و زیربنایی به‌خصوص دانشگاه ملی و آزاد مانند شرق سام شرقی (بزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۰)



شکل ۱. منطقه سیستم استان: (منبع: <https://www.sbportal.ir/fa/aboutostan/geograghy>)



شکل ۲. موقعیت محله‌های حاشیه‌ای شهر زابل (منبع: طرح جامع شهر زابل، مهندسین مشاور طاش و نویسندگان)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها، براساس ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای عمیق بوده که شامل واکاوی مقالات علمی

فارسی و لاتین، کتب تخصصی، گزارش‌های توسعه‌ای سازمان‌های بین‌المللی (مانند بانک جهانی و (UNDP) و اسناد ملی می‌گردد. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی و سنتز نظری^۱ با هدف استخراج مفاهیم کلیدی و ارائه یک مدل مفهومی یکپارچه است. قلمروی مکانی پژوهش، مناطق حاشیه‌نشین شهری زابل و روستاهای منطقه سیستان به عنوان نمونه‌ای افراطی از محرومیت منطقه‌ای است.

یافته‌ها و تحلیل: نقش‌آفرینی در دو عرصه

الف) در عرصه حاشیه‌نشینی شهری: از پردشدگی تا ادغام مجدد

سازمان‌های مردم‌نهاد در این عرصه، عمدتاً در سه نقش عمل می‌کنند:
 ۱. تسهیل‌گر فرآیندهای مشارکتی: تبدیل ساکنان از «ذی‌نفعان منفعل^۲» به «شرکای فعال^۳» در پروژه‌های بهسازی و نوسازی. این نقش از طریق تشکیل گروه‌های کاری محله‌ای، برگزاری جلسات گفت‌وگوی عمومی و آموزش مهارت‌های مشارکتی محقق می‌شود (عبدی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲. ارائه‌دهنده خدمات تخصصی جایگزین: ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، روان‌شناختی و حقوقی که گاه سیستم رسمی از ارائه آن به این مناطق بازمی‌ماند. این خدمات اغلب با رویکرد توانمندساز (نه صرفاً امدادی) ارائه می‌شود (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۹).

۳. ناظر اجتماعی و پیگیر حقوق جمعی: رصد خط‌مشی‌های شهری، گزارش‌دهی از تخلفات و کمک به تشکیل پرونده‌های مطالبات جمعی (مانند حق بر شهر و دسترسی به خدمات پایه). این نقش مستلزم ایجاد پیوند بین جامعه محلی، نهادهای حرفه‌ای (مانند وکلا و رسانه‌ها) است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

ب) در عرصه روستایی سیستان: از تاب‌آوری تا توسعه پایدار

در شرایط پیچیده زیست‌محیطی و اجتماعی سیستان، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد چندلایه و حیاتی است:
 ۱. مدیریت دانش و انطباق با خشک‌سالی: مستندسازی و تلفیق دانش بومی سازگاری با کم‌آبی با دانش علمی روز. ترویج کشاورزی کم‌مصرف، ساماندهی نظام‌های کهن آبیاری و آموزش روش‌های جمع‌آوری و ذخیره آب باران (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵).

¹ Theoretical Synthesis

² Passive Beneficiaries

³ Active Partners

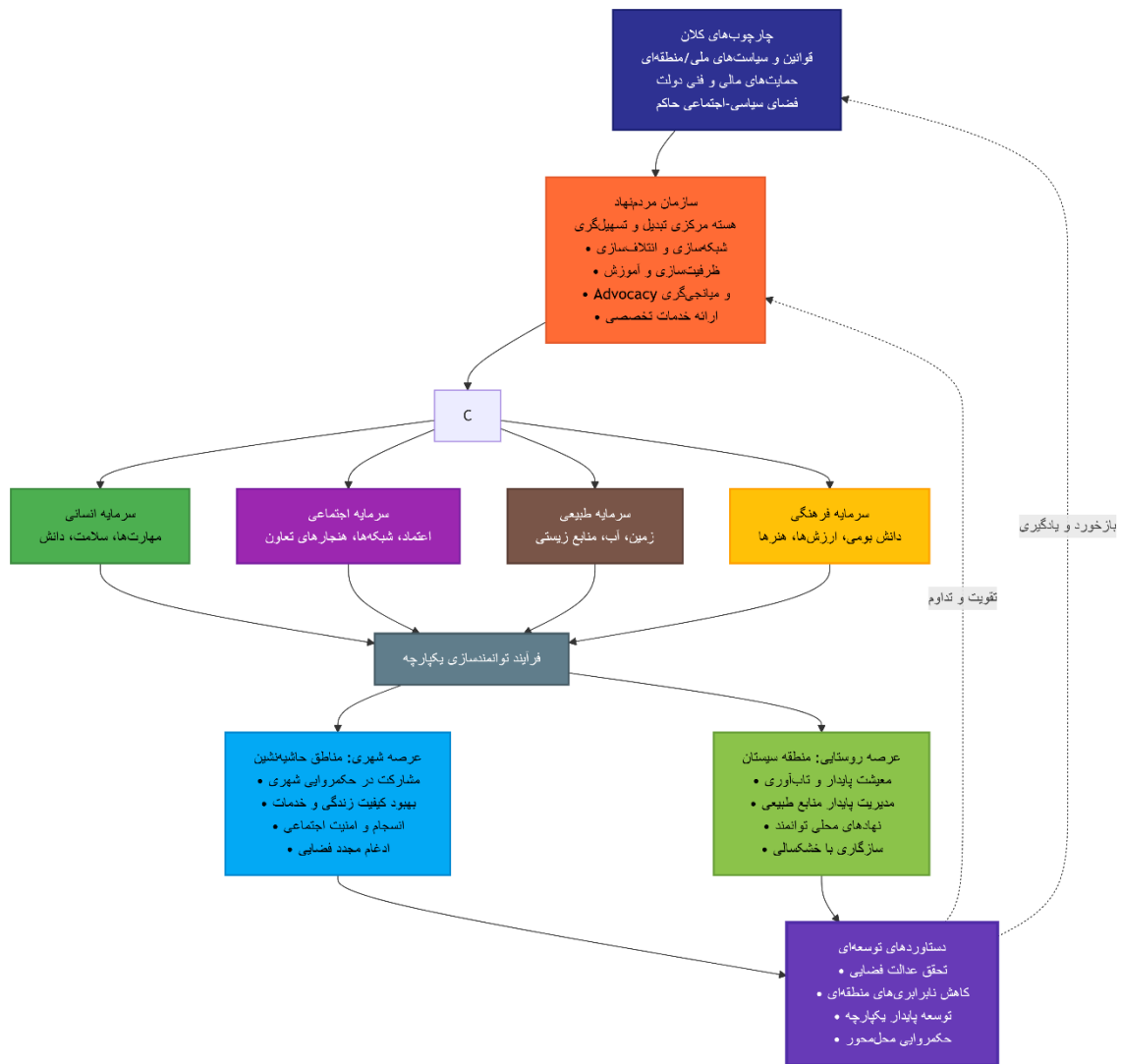
۲. تنوع بخشی به اقتصاد محلی و ایجاد زنجیره ارزش: فراتر از کمک های معیشتی، ایجاد تعاونی های زنان برای فرآوری محصولات محلی (مانند گیاهان دارویی)، توسعه گردشگری مسئولانه مبتنی بر جاذبه های طبیعی-فرهنگی (مانند تالاب هامون) و بازاریابی این محصولات.

۳. تقویت نهادهای محلی و حکمروایی روستایی: کمک به تقویت شوراهای روستایی، ایجاد صندوق های اعتباری خرد خودگردان و آموزش رهبران محلی برای تعامل مؤثر با دستگاه های دولتی.

۴. حفاظت از محیط زیست و احیای اکوسیستم: مشارکت در پروژه های احیای تالاب هامون، کاشت گیاهان مقاوم به شوری و آموزش جوامع محلی در زمینه مقابله با پدیده ریزگردها.

مدل مفهومی یکپارچه

مدل زیر (شکل ۱) که داده ها براساس ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش مطالعات و هم مشاهدات میدانی نگارندگان، مطالعه اسنادی و کتابخانه ای عمیق بوده که شامل واکاوی مقالات علمی فارسی و لاتین، کتب تخصصی، گزارش های توسعه ای سازمان های بین المللی مانند بانک جهانی و (UNDP) و اسناد ملی شده است، چارچوب عمل سازمان های مردم نهاد را در تعامل با سطوح مختلف ساختاری و محلی نشان می دهد. مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش (شکل ۱) که روابط بین متغیرها و سازه های کلیدی را نشان می دهد، با استفاده از نرم افزار NET DRAW ترسیم گردیده است. این نرم افزار به دلیل قابلیت های پیشرفته در نمایش گرافیکی شبکه ها، تعامل های چندلایه و سطوح مختلف تحلیل، انتخاب شد. گره ها (Nodes) نماینده سازه های اصلی و یال ها (Edges) نشان دهنده روابط علی، تأثیرگذاری یا جریان بین آنها هستند. اندازه گره ها متناسب با درجه مرکزیت (Degree Centrality) مفهومی آنها و رنگ آمیزی بر اساس حوزه عمل (شهری/روستایی) و نوع سرمایه انجام شده است.



شکل ۳: چارچوب عمل سازمان‌های مردم‌نهاد را در تعامل با سطوح مختلف ساختاری و محلی

منبع: یافته‌های پژوهشی نگارندگان

تبیین مدل:

مدل فوق یک سیستم پویا را نشان می‌دهد. سازمان مردم‌نهاد در سطح میانی، تحت تأثیر چارچوب‌های کلان (که می‌توانند تسهیل‌گر یا محدودکننده باشند) قرار دارد. این سازمان از طریق مکانیزم‌های تسهیل‌گری، شبکه‌سازی، ظرفیت‌سازی و حمایت‌گری، بر سرمایه‌های چهارگانه محلی (انسانی، اجتماعی، طبیعی، فرهنگی) اثر گذاشته و آنها را تقویت و تلفیق می‌کند. تقویت این سرمایه‌ها، منجر به خلق برون‌دادهای توسعه‌ای متفاوت اما همسو در دو عرصه

شهری و روستایی می‌شود. این برون‌دادها به نوبه خود، با ایجاد بازخورد مثبت، هم بر سرمایه‌های محلی و هم بر چارچوب کلان (از طریق تغییر خط‌مشی) تأثیر می‌گذارند و در نهایت به تحقق نسبی عدالت فضایی و توسعه پایدار کمک می‌کنند.

بحث و جمع‌بندی نهایی

تحلیل حاضر نشان داد که سازمان‌های مردم‌نهاد، علیرغم تفاوت در اولویت‌های عملیاتی، از یک منطق مفهومی واحد برای توانمندسازی در هر دو عرصه بهره می‌برند: ایجاد پیوند بین سرمایه‌های پراکنده محلی و تبدیل آن به عاملیت جمعی مؤثر. در شهر، این عاملیت برای «بازپس‌گیری حق بر شهر» تجلی می‌یابد و در روستای سیستان، برای «حفظ حق بر حیات در شرایط دشوار»

برای تحقق کامل این پتانسیل، پیشنهادات راهبردی زیر ارائه می‌شود:

۱. تدوین سند ملی همکاری سه‌جانبه دولت-سمن‌ها-دانشگاه: این سند باید نقش هر بخش را در توانمندسازی مناطق محروم شهری و روستایی شفاف کند.
 ۲. ایجاد صندوق وقفی ملی برای حمایت از سمن‌های فعال در مناطق محروم: برای کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی و نوسانات بودجه دولتی.
 ۳. تأسیس «خانه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد» در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ: به عنوان پایگاهی برای شبکه‌سازی، آموزش و ارائه خدمات پشتیبانی به سمن‌های کوچک محلی.
 ۴. ادغام شاخص‌های عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام پایش توسعه منطقه‌ای: برای سنجش واقعی تأثیر فعالیت‌های آنان بر شاخص‌هایی مانند کاهش نابرابری، افزایش سرمایه اجتماعی و بهبود تاب‌آوری.
- در پایان باید تأکید کرد که توانمندسازی ساکنان حاشیه‌نشین شهرها و روستاهای محروم از جمله منطقه سیستان، یک پروژه سیاسی-اجتماعی است که مستلزم بازتوزیع قدرت و منابع است. سازمان‌های مردم‌نهاد به تنهایی قادر به انجام این کار نیستند، اما می‌توانند ماشه‌چکان و تسهیل‌گر این گذار تاریخی باشند. سرمایه‌گذاری هوشمندانه بر این نهادها، در حقیقت سرمایه‌گذاری بر دموکراسی محل‌محور و انسجام سرزمینی ایران است.
- با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر بیان می‌شود.
- مشارکت بهره‌برداران و ذینفعان طرح‌های توسعه‌ای در فرایندهای تصمیم‌گیری.
 - تربیت تسهیلگران محلی برای ادامه کار و تقویت روحیه همکاری در سطح جامعه محلی.

- انتخاب نمایندگان و یا رابط ها از جامعه روستایی براساس ملاحظات خود مردم محلی.
- شناسایی رهبران محلی و توجیه آنها در زمینه اهداف پروژه مورد نظر.
- حضور خبرگان و نمایندگان جامعه محلی در جلسات شورای برنامه ریزی شهرستان.
- اهتمام دهیاری ها و شوراهای اسلامی روستاها برای تشکیل و راه اندازی انجمنها و تعاونیهای مختلف در سطح روستاها و تقویت نهادهای موجود.
- تشریح مزایای پروژه های عام المنفعه و ترغیب مردم به مشارکت و همکاری در برنامه ریزی، اجرا و حفظ و نگهداری از آنها. (مراد زاده و همکاران، ۱۳۹۷)، (یافته های پژوهشی نگارندگان، ۱۴۰۴)

منابع

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷). بررسی نقش سازمان های غیردولتی بر توسعه. علم مدیریت، ۱(۳۷)، ۲۳-۵.
- امیرانی، محمدهادی؛ ظریفیان، شاپور (۱۳۸۲). نقش سازمان های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی. ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۷، خرداد و تیر، ۱۴۲-۱۱۹.
- بزوی، خدارحم؛ کیانی، اکبر؛ عبدالغنی، صفرزائی (۱۳۹۶). ارزیابی راهبرد توانمندسازی حاشیه نشینان در بهسازی شهر زابل. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، ۷(۲۳)، ۲۲-۱.
- جوانی، احمد و همکاران (۱۳۹۵). وضعیت سازمان های مردم نهاد در روستاها: فرآیند شکل گیری، آثار و پیامدها (با تأکید بر موانع مانند کمبود بودجه و فقر فرهنگی). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۲)، ۷۸-۵۳.
- دفتر سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۰/۱۴۰۰). پیام آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، به مناسبت روز جهانی شهرها (۳۱ اکتبر ۲۰۲۰). قابل دسترسی در: <https://iran.un.org/fa/98201> (یا وبگاه رسمی دفتر سازمان ملل در تهران).
- رضائی تبار، رضا (۱۳۸۸). طراحی و تبیین الگوی تعاملی سازمان های مردم نهاد (NGOs) با کمیته امداد امام خمینی (ره) به منظور افزایش بهره وری خدمات حمایتی به محرومین و اقشار آسیب پذیر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- رضایی، محسن؛ بابایی، فرزاد؛ بهمن‌ور، هومن (۱۳۹۷). ارزیابی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر جذب و ارتقای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند مدیریت پسماند. آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۷(۱)، ۸۷-۱۰۲.
- سالارزهی، حبیب‌الله؛ صالحی، مطهره؛ ایمانی، عبدالمجید (۱۴۰۱). بررسی ایفای نقش مطلوب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین. فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۴)، ۴۷۵-۴۹۹.
- شهاب، محمدرضا؛ عزیزپور، کاظم؛ حاجی‌زاده، بهادر (۱۳۹۳). بررسی نظری نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در روند توسعه پایدار با تأکید بر توسعه روستایی. دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، دانشگاه اصفهان.
- شیخ‌الاسلام، نجمه (۱۳۸۹). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۲). بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران: در جستجوی راهکارهای توانمندسازی. در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (جلد اول). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- طیه، زهرا (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های اثر بخش تحقق مشارکت مدنی در سیاست‌گذاری شهری ایران و فرانسه. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۳)، ۱۴۰-۱۲۳.
- عبدی، برهان؛ سلطانی، علی؛ بذرگر، محمدرضا؛ احمدی، جبار (۱۳۸۸). ارائه راهکارهای جلب مشارکت ساکنان مناطق اسکان غیررسمی در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری. فصلنامه هویت شهر، ۳(۳-۴)، ۷۱-۸۲.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ جعفری، محسن (۱۳۹۵). مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیشروی توسعه اجتماع‌محور روستایی. فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۴(۷)، ۱۷۳-۱۵۳.
- کاویانی، محمد؛ موسوی، سیدحجت؛ فلاح‌نیا، مجید (۱۳۹۸). تحلیل پیامدهای خشکسالی بر امنیت معیشتی روستاهای سیستان و راهبردهای سازگاری. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۹(۳۴)، ۸۴-۶۳.
- مرادزاده، عبدالباسط و همکاران (۱۳۹۷). نقش مشارکت مردمی در موفقیت پروژه‌های توسعه روستایی (با رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور). فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین، ۶(۲)، ۸۹-۱۱۰.

- معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۳۹۶). گزارش تحولات جمعیتی و پیامدهای آن بر بازار مصرف با نگاه به ایران. تهران: اتاق ایران.
- مهندسین مشاور طاش (۱۳۹۳). طرح جامع شهر زابل. زاهدان: سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.
- پورتال اطلاع‌رسانی استانداری سیستان و بلوچستان (۱۴۰۴). جغرافیای استان سیستان و بلوچستان. قابل

دسترسی در: <https://www.sbportal.ir/fa/aboutostan/geograghy>

- Akkaya, F. (2010). *Slums in Africa: A new approach*. Washington, DC: World Bank Publications.
- Berkes, F., & Folke, C. (1998). Linking social and ecological systems for resilience and sustainability. In F. Berkes & C. Folke (Eds.), *Linking social and ecological systems: Management practices and social mechanisms for building resilience* (pp. 1-25). Cambridge: Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). New York: Greenwood.
- Brunetta, G., et al. (2019). *Urban resilience for risk and adaptation governance: Theory and practice*. Cham: Springer.
- Budiyanitini, Y. (2017). Community empowerment in self-help housing program, informal settlements and affordable housing. *Procedia Environmental Sciences*, 41, 1-9.
- Izadfar, N., & Izadfar, E. (2021). Develop a conceptual model for achieving sustainable urban regeneration from a futuristic perspective. *Journal of Urban Environmental Policy*, 1(1), 27-44.
- Lewis, D. (2010). Nongovernmental organizations, definition and history. In *International encyclopedia of civil society* (pp. 1056-1062). New York: Springer.
- Mansuri, G., & Rao, V. (2004). Community-based and -driven development: A critical review. *The World Bank Research Observer*, 19(1), 1-39.
- Motahari Tabar, M., & Hosseini nia, M. (2022). Investigating the policies of the impact of sidewalks on the quality of housing (Case study of Bu Ali sidewalk in Hamedan). *Journal of Urban Environmental Policy*, 2(5), 73-86.
- Narayan, D. (2002). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*. Washington, DC: The World Bank.

- Nikwah, H., & Rezvan, M. (2010). Role of non-governmental organizations in empowering for sustainable community development. A study of NGOs in Malaysia. *Human Ecology Journal*, 30(2), 85-92.
- Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sen, A. (1999). *Development as freedom*. New York: Alfred A. Knopf.
- Tayefi Nasrabadi, M., & Hatamei, H. (2018). Analyzing the housing sustainability indicators (Case study: Region one of Mashhad municipality). *Journal of Geoplanning*, 12(42), 305-320.
- UN-HABITAT (2009). *Good urban governance: Towards an effective private sector engagement*. Nairobi: UN-HABITAT.
- Woolcock, M. (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcomes. *Canadian Journal of Policy Research*, 2(1), 11-17.